

## یحی بن شرف الدین نووی

الحاج عبدالکریم غریق - هالند

حافظ محی الدین ابو زکریا یحی بن شرف الدین بن مُرّی بن حسن بن حسین بن محمد بن جمعه بن حزام حِزَامی حورانِی دمشقی شافعی مشهور به نووی مردی محدث، فقیه، ادیب و از بزرگان علمای قرن هفتم هجری بوده است، چنانکه او را شیخ و محرر مذهب شافعیه لقب داده اند. موصوف را حزامی یعنی از اولاد حزام بن خویلد گفته اند، و نووی انتساب او به شهر نوبی می باشد، که در شمال غربی سهل حوران واقع گردیده، و از نظر اداری تابع ولایت درعا سوریه امروزی است، که از درعا ۴۰ کیلومتر و از دمشق پایتخت سوریه ۸۵ کیلومتر فاصله دارد، و اجداد نووی قبلاً به این منطقه کوچیده و ساکن گردیده بودند. شرف الدین پدر امام نووی مردی پرهیزگار و درست کاری بود، دوکانداری می کرد، و در همان شهرک نوبی دوکان داشت. نووی در نیمه ماه محرم سال ۶۳۱ هجری قمری مطابق سال ۱۲۳۳ میلادی در منطقه نوبی از نواحی حوران که به مسافت دو شبانه روز از دمشق فاصله دارد متولد گردید. می گویند: نووی در ایام کودکی در شب بیست و هفتم ماه رمضان نووی را مشاهده کرد، که به بگفته آگاهان نور لیلۃ القدر بوده است. پدر نووی در پهلوی آموزش های متداول آن زمان او را در ده سالگی در مغازه اش مشغول به کار کرد، اما فکر و ذهن نووی بیشتر معطوف به قرائت قرآن مجید و فراگیری دروس مرسومه آن روزگار بود، و علاقه ای به خرید و فروش و معاملات نشان نمی داد، تا این که روزی شیخ یوسف بن یاسین مراکشی به نوبی آمد، و گذرش به محل کار نووی افتید. ذهن کنجکاو و استعداد و توان این کودک نظر شیخ را جلب کرد، و برای تعلیم وی خانواده و مخصوصاً پدرش را توصیه نمود، که هرچه بیشتر در تعلیم وی همت بگمارند. شیخ یوسف مراکشی می گوید: من شیخ نووی را در ده سالگی در نوبی دیدم، که کودکان وی را به بازی و می داشتند، ولی او از ایشان گریخته، و می گریست، و در آن حال مشغول تلاوت قرآن بود، از آن رو مهرش در دلم جای گرفت. پدر امام نووی نیز وقتی متوجه توان و استعداد پسرش شد، هرچه بیشتر از پیش در راه تربیتش همت گماشت، و زمینه را برای تعلیم وی مساعد گردانید، و در سال ۶۴۹ هجری قمری زمانی که سنش هنوز به نوزده سالگی کامل نرسیده بود، به همراهش عازم دمشق شد، زیرا دمشق در آن روزگار محل تجمع علماء و دانشمندان بود، ابتداء هر دو پسر و پدر به نزد خطیب مسجد جامع اموی شیخ جمال الدین عبدالکافی بن عبدالملک بن عبدالکافی ربعی دمشقی متوفی سال ۶۸۹ هجری قمری رفتند، و شیخ مذکور آن ها را به نزد عالم بزرگوار مفتی اهالی شام شیخ تاج الدین عبدالرحمن بن ابراهیم بن ضیاء فزاری معروف به ابن فرکاح رهنمائی کرد، و ابن فرکاح اولین شیخ نووی بود، وی مدتی در حلقه درس آن عالم



بزرگوار گذراند، و از محضر آن استاد دانشمند استفاده نمود، و بعد به رهنمائی استادش به مدرسه رواجیه که در جنب مسجد جامع اموی قرار داشت، به نزد شیخ کمال اسحاق بن احمد بن عثمان مغربی رفت، و در آن مدرسه ساکن گردید. امام نووی در سال ۶۵۱ هجری قمری به همراه پدرش به سفر حج رفت، و باز واپس به دمشق برگشت، و از محضر جمع کثیری از علماء و دانشمندان آن روز کسب فیض کرد، و دانش آموخت، که عده ای از آن ها قرار ذیل اند: ابو ابراهیم اسحاق بن احمد بن عثمان مغربی مقدسی شیخ او در فقه، ابو محمد عبدالرحمن بن نوح بن محمد بن ابراهیم بن موسی مقدسی دمشقی مفتی دمشق در وقتش شیخ او در فقه، ابوحفص عمر بن أسعد بن ابی غالب ربعی اربلی شیخ او در فقه، ابوالحسن سلار بن حسن اربلی حلبی دمشقی شیخ او در فقه، ابراهیم بن عیسی مرادی اندلسی مصری دمشقی شیخ او در حدیث که نووی مدت ده سال شاگردی او را نموده است، ابو اسحاق ابراهیم بن ابی حفص عمر بن مضر واسطی شیخ او در حدیث که تمام صحیح مسلم را از او شنیده است، شیخ زین الدین ابوالبقاء خالد بن یوسف بن سعد نابلسی شیخ او در حدیث، رضی بن برهان شیخ او در حدیث، ابوالفرج عبدالرحمن بن ابی عمر محمد بن احمد بن محمد بن قدامه مقدسی شیخ او در حدیث و او بزرگترین شیخ حدیث امام نووی بوده است، تقی الدین ابو محمد اسماعیل بن ابی اسحاق ابراهیم بن ابی الیسر تنوخی شیخ او در حدیث، زین الدین ابوالعباس احمد بن عبدالدائم مقدسی شیخ او در حدیث، شیخ الشیوخ ابو محمد عبدالعزیز بن محمد بن عبدالمحسن أنصاری حموی شافعی شیخ او در حدیث، قاضی القضاء عمادالدین ابوالفضل عبدالکریم بن عبدالصمد بن محمد حرستانی خطیب دمشق شیخ او در حدیث، ابوالفتح عمر بن بندار بن عمر بن علی بن محمد تفلیسی شافعی شیخ او در اصول فقه که منتخب امام فخرالدین رازی و کتاب المستصفی امام محمد غزالی را بر امام نووی خواند، شیخ احمد بن سالم مصری که بر امام نووی تدریس نحو را کرد، ابو محمد عبدالرحمن بن سالم بن یحیی آیتاری، ابو زکریا یحیی بن فتح صیرفی حرانی و ابو اسحاق ابراهیم بن علی بن احمد بن فاضل واسطی، ابو اسماعیل بن ابی اسحاق، ضیاء بن تمام حیصی و حافظ ابوالفضل محمد بن محمد بکری. امام نووی را شاگردان زیادی نیز بوده است، که از جمله آن ها افراد ذیل می باشند: ابوالعباس احمد بن فرح اشبیلی، الرشید اسماعیل بن معلم حنفی، ابو عبدالله محمد بن ابی الفتح حنبلی و ابوالفضل یوسف بن محمد بن عبدالله مصری دمشقی. امام نووی فقه شافعی را در نزد بزرگان فقهای شافعیه خواند، و کتب بزرگ حدیثی و غیره را از جمله صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داؤد، سنن ترمذی، سنن نسائی، موطاء امام مالک، مسند امام شافعی، مسند امام احمد بن حنبل، سنن دارمی، مسند ابی عوانه اسفرائینی، مسند ابی یعلی موصلی، سنن ابن ماجه، سنن دارقطنی، سنن بیهقی، شرح السنه بغوی، معالم التنزیل در تفسیر از بغوی، کتاب الانساب تالیف زبیر بن بکار اسدی، خطب

النباتیه و رساله القشیریه تالیف عبدالکریم بن هوازن قشیری، عمل الیوم واللیلۃ تالیف حافظ ابوبکر احمد بن محمد معروف به ابن سنی، کتاب آداب السامع والراوی تالیف خطیب ابوبکر احمد بن علی بغدادی و دیگر کتب مصطلحه و مرسومه را از دانشمندان آن روزگار فراگرفت. امام نووی مثل اغلب علمای شافعی در علم کلام پیرو امام ابوالحسن اشعری بود، و این مطلب را یافعی و تاج الدین سبکی نیز تصریح نمودند. امام نووی سفری نیز به مصر و شهر قاهره داشته، و در آن سفر مزار امام شافعی را زیارت نموده است. امام نووی بعد از بیست و هشت سال اقامت در شهر دمشق دوباره به زادگاهش نوبی برگشت، و در شب چهارشنبه بیست و چهارم ماه رجب سال ۶۷۶ هجری قمری مطابق سال ۱۲۷۷ میلادی به سن ۴۵ سالگی در همان منطقه نوبی محل تولدش در گذشت. تاج الدین سبکی می گوید: وقتی امام نووی وفات یافت، شهر دمشق و اطراف آن به غم فرورفت، و باعث تاسف شدید مسلمانان گردید، و بواسطه مرگ امام نووی مردم شب های زیادی نخوابیدند. ابن عطار می گوید: وقتی امام نووی مریض بود، وزراء و بزرگان از شهرهای قدس و الخلیل به عیادت آن جناب آمدند، و وقتی وفات یافت به جنازه اش نماز خواندند. بر جنازه امام نووی روز جمعه نیز بعد از نماز جمعه مسجد جامع اموی نماز خوانده شد. امام نووی در منطقه محل تولدش دفن گردید. و وقتی قاضی القضاة دمشق عزالدین محمد بن صائغ خبر فوت امام نوبی را شنید، با جمعی از یارانش به نوبی آمد، و بر قبر امام نووی نماز گزارد. برخی از تصانیف امام نووی عبارت اند از: ۱ - کتاب چهل حدیث وی که مشهور است، و بر آن چند شرح و حاشیه نوشته شده است. ۲ - الارشاد فی اصول الحدیث. ۳ - الاشارات الی بیان الاسماء المهمات فی متون الاسانید. ۴ - الاصول والظوابط فی المذهب. ۵ - الايضاح فی المناسک الحج در فقه. ۶ - بستان العارفين در تصوف. ۷ - التبیان فی آداب حمله القرآن. ۸ - التحریر در شرح التنبیه نوشته ابواسحاق شیرازی بطور مختصر. ۹ - هم چنین تحفه الطالبا در شرح التنبیه بطور مطول اما تکمیل نشده است. ۱۰ - تحفه الولد و بغیه الراید. ۱۱ - التحقیق والترخیص فی الإکرام با القیام لذوی الفضل والمزیه من اهل الاسلام. ۱۲ - التقریب والتیسیر لمعرفه سنن البشیرالنذیر در اصول حدیث. ۱۳ - تقریب الارشاد الی علم الاسناد در اصول حدیث. ۱۴ - تهذیب الاسماء واللغات در موضوع رجال. ۱۵ - حلیه الابرار و شعارالاخیر فی تلخیص الدعوات والاذکار. ۱۶ - خلاصه الاحکام فی مهمات السنن و قواعدالاسلام. ۱۷ - روح المسائل در فروع. ۱۸ - روضه الطالبین و عمدہ المتقین در دوازده مجلد که آن را از روی کتاب امام رافعی خلاصه نموده، و یکی از کتب بزرگ و قابل اعتماد در مذهب شافعی است. ۱۹ - ریاض الصالحین را علامه محمد بن علی صدیقی شافعی تحت عنوان دلیل الفالحین لطریق الصالحین شرح کرده، و نیز کتاب ریاض الصالحین را محترم عبدالله خاموش هروی بفارسی ترجمه نموده است. ۲۰ - شرح جامع صحیح البخاری تا آخر کتاب ایمان. ۲۱ - عیون



المسائل المهمة. ٢٢ - غيث النفع في القراءات السبع. ٢٣ - فضل القيام لاهل العلم والحديث والزهاد والعباد والصلحاء والقراء من اهل الاسلام. ٢٤ - المبهم على حروف المعجم. ٢٥ - المجموع در شرح المهذب ابو اسحاق شيرازى. ٢٦ - مرآة الزمان فى تاريخ العيان. ٢٧ - مناسك الحجج سه مجموعه الصغرا والكبرا والوسطى. ٢٨ - المنثورات عيون مسایل المهمات. ٢٩ - المنهاج لشرح صحيح مسلم بن الحجاج در پنج جلد. ٣٠ - منهاج الطالبين در فروع فقه شافعى بوده، و مشهور است، و آن خلاصه اى از كتاب المحرر امام رافعى مى باشد. ٣١ - مناقب امام شافعى. ٣٢ - مختصر اسدالغابه. ٣٣ - الفتاوى. ٣٤ - ادب المفتى والمستفتى. ٣٥ - مختصر آداب الاستفتاء. ٣٦ - مسألة التخميس الغنائم. ٣٧ - مختصر التذنيب. ٣٨ - مسألة نية الإغتراف. ٣٩ - قطعة يسيرة من شرح سنن ابى داؤد. ٤٠ - قطعة فى الإملاء على حديث الأعمال بالنيات. ٤١ - كتاب الامالى فى الحديث. ٤٢ - رؤس المسائل. ٤٣ - الخلاصة فى احاديث الاحكام. ٤٤ - مسودة من طبقات الفقهاء. ٤٥ - قطعة من التحقيق (وصل فيه الى باب صلاة المسافر) در فقه. ٤٦ - تحفة الطالب در فقه. ٤٧ - جامع السنه. ٤٨ - مهمات الاحكام در فقه. ٤٩ - الأصول والضوابط در اصول فقه.

### منابع و مأخذ:

- ١ - كشف الظنون - ج ششم - صفحه ٤٠٨ و ٤٠٩ تاليف مصطفى بن عبدالله حنفى مشهور به حاجى خليفه - عربى.
- ٢ - اعلام زرکلى - جزء هشتم - صفحه ١٤٩ و ١٥٠ - حرف ياء - تاليف خيرالدين زرکلى - عربى.
- ٣ - نگاهى به احوال، آثار و افکار امام نووى - تاليف عبدالغنى الدقر - ترجمه عبدالله پاسالارى - فارسى.
- ٤ - مقدمه كتاب رياض الصالحين - از صفحه ٤٣ الى صفحه ٤٨ - ترجمه عبدالله خاموش هروى - فارسى.
- ٥ - ويکيبيديا الموسوعة الحرة (دائرة المعارف عربى) مقاله يحيى بن شرف النووى تاريخ آخرين تعديل ٦ مارچ ٢٠١٨ ساعت ٢٠/٠٨ دقيقه.
- ٦ - سايت سوزى ميحراب - مقاله امام نووى را بهتر بشناسيم - تاريخ نشر ٨ مرداد ١٣٩٤ خورشيدى - فارسى.

امام حافظ محمد بن احمد بن عثمان بن قایم از بن عبدالله معروف به شمس الدین ابو عبدالله ذهبی فارقی شافعی دمشقی اصالتاً از خانواده ترکمانی الاصل از اهالی میافارین (سیلوان امروزی) یکی از شهرهای دیار بکر ترکیه بوده است. امام ذهبی شخصیتی محدث، علامه، محقق، شاعر و یکی از مورخین مشهور اسلامی می باشد. پدر بزرگ وی فخرالدین ابو احمد عثمان مردی بی سواد بود، و حرفه نجاری را برای خود برگزیده بود، اما آن طوری که ذهبی می گوید: یقین خوبی نسبت به خداوند (ج) داشت، و او بود که به دمشق مهاجرت کرد، و در آن جا اقامت گزید، اما پدرش شهاب الدین احمد که در سال ۶۴۱ هجری دیده به جهان گشود، شغل پدری را رها کرد، و به حرفه طلا سازی روی آورد، و در آن مهارت یافت، و صاحب ثروت شد، و لقب ذهبی که به معنی طلا ساز و زرگر است، نیز از همان شغل پدرش گرفته شده است، و امام شمس الدین ذهبی در بعضی از نوشته هایش خود را ابن الذهبی یعنی پسر زرگر معرفی می کند، علاوه بر پدر امام ذهبی مردی دیندار و محب علماء بود، و همیشه بخشی از شب را نماز می خواند، و در سال ۶۶۶ هجری قمری صحیح بخاری را از مقداد بن هبئه الله قیسی آموخت، و در آخر عمر نیز به حج رفت. عمه امام ذهبی بنام ست الأهل دختر عثمان از اهل علم و روات حدیث بود، و از ابن ابی الیسر، جمال الدین بن مالک، زهیر بن عمر زُرعی و گروهی دیگر از علماء اجازه روایت داشت، و از عمر ابن القواس و دیگران حدیث شنیده بود. مادر امام ذهبی دختر مرد موصلی الاصلی بنام علم الدین ابوبکر سنجر بن عبدالله بود، و خالویش علی بن سجنر و همسر خالویش نیز از اهل علم و حفاظ حدیث بودند. امام ذهبی در اوائل ماه ربیع الآخر سال ۶۷۳ هجری قمری مطابق سال ۱۲۷۴ میلادی در زمان حکومت مملوکیان که در سرزمین های شام و مصر حکمرانی داشتند، در قریه کَفَرَبَطْنَا از آبادی های غوطه دمشق متولد گردید. امام ذهبی در زمانی زاده شد، که منطقه شاهد حرکات علمی عظیمی بود، زیرا پس از آن که سرزمین های شرق اسلامی به دست چینگیزیان و سرزمین های غرب اسلامی یعنی اندلس به دست صلیبیان افتاده بود، چشم تمام علماء و فرهیختگان جهان اسلام بطرف سرزمین مصر و شام دوخته شده بود، و بدان سبب دو شهر قاهره و دمشق محل تجمع دانشمندان جهان اسلام گشت. الحق که در این راه سلاطین مملوکی هم زحمات زیادی کشیدند، و با آن که بخش اعظمی از میراث فرهنگی مسلمانان در کتابخانه های شهرهای اشغال شده اسلامی بخصوص در بغداد و اندلس به نابودی کشیده شده بود، علمای اسلامی برای پر کردن این خلاء از خود تلاش بی دریغ نشان دادند، و با همکاری سلاطین و امراء مسلمان مراکز متعددی از قبیل مساجد، مدارس، کتابخانه ها، خانقاه ها و پرورشگاهها تشکیل کردند، که در آن ها علوم تفسیر، حدیث، قرائت، فقه، اصول، کلام، لغت، تاریخ، جغرافیا، طب، هیئت،



ریاضیات و منطق تدریس می گردید، که از بارزترین آن ها مدارس ظاهریه، منصوریه، ناصریه، صاحبیه، بهائیه، منکوتریه، جمالیه، محمودیه، جامع ازهر و جامع عمروعاص در قاهره و مدارس ناصریه، عادلیه، اشرفیه، عمریه و جامع اموی در دمشق بود. با این وضعیت وقتی امام ذهبی متولد گردید، پدرش زیاد علاقمند بود، که پسرش علم بیاموزد، و در تربیت فرزندش سخت کوشا بود، و او پسرش را از همان سنین طفلی برای تحفیظ و قرائت قرآن کریم به نزد اساتید برجسته زمانش فرستاد. ذهبی قرآن کریم را حفظ کرد، و قراآت سبعة را در نزد شیوخ قرائت مثل شیخ القراء جمال الدین ابی إسحاق ابراهیم بن داؤد عسقلانی دمشقی معروف به الفاضلی متوفی سال ۶۹۲ هجری قمری، شیخ شمس الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالعزیز دمیاطی دمشقی مدرس جامع اموی آموخت، و وقتی شیخ دمیاطی بیمار شد، حلقه درس قرائت خود را در جامع اموی به او سپرد. ذهبی در دمشق از ابوحفص عمر بن عبدالمنعم بن عبدالله بن قواس دمشقی، ابوالفضل احمد بن هبة الله معروف به ابن عساكر دمشقی و یوسف بن احمد بن ابوبکر بن علی غسولی حدیث آموخت. علاوهً ذهبی برای فراگیری بیشتر علم حدیث و برای اخذ حدیث به شهرهای مختلف شام سفر کرد، او باری در سال ۶۹۳ و بار دیگر در سال ۷۰۷ هجری قمری به بعلبک رفت، و در این سفرها قرآن کریم را به صورت جمع روایات بر موفق نصیبی متوفی سال ۶۹۵ هجری قمری خواند، و از نزد تاج الدین ابوالحسن عبدالخالق بن عبدالسلام علوان بعلبکی و زینب دختر عمر بن کندی و دیگران اخذ حدیث کرد. به حلب رفت، و از نزد ابوسعید سنقر بن عبدالله زینی حدیث شنید. به نابلس رفت، و از عمادالدین عبدالحافظ بن بدران نابلسی حدیث شنید، و از آن جا به شهرهای حماه، حمص، طرابلس، کرک، رمله، معره، بُصری، تبوک و قدس سفر نمود. ذهبی در سال ۶۹۵ هجری قمری به مصر رفت، او می گوید: یکی از اغراض سفرم به مصر دیدار با عالمه بزرگوار سیده دختر موسی بن عثمان مارانی مصری بود، که متاسفانه هنوز در مسیر راه و در سرزمین فلسطین بودم، که او در ماه رجب همان سال ۶۹۵ هجری قمری دیده از جهان فروبست، و موفق به دیدار او نشدم. ذهبی در مصر از شیوخ بزرگی مانند تقی الدین ابوالفتح محمد بن علی معروف به ابن دقیق العید قشیری متوفی سال ۷۰۲ هجری قمری، بدرالدین ابن جماعه متوفی سال ۷۳۳ هجری قمری، ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالله حلبی معروف به ابن الظاهری، ابوالمعالی احمد بن اسحاق بن محمد بن مؤید مصری معروف به ابرقوهی متوفی سال ۷۰۱ هجری قمری و علامه شرف الدین عبدالؤمن بن خلف دمیاطی متوفی سال ۷۰۵ هجری قمری کسب علم کرد، و حدیث شنید، او هم چنین در مصر از بهاء الدین بن نحاس امام اهل ادب مصر درس ادبیات آموخت. و بعد به اسکندریه رفت، و از تاج الدین ابوالحسن علی بن احمد بن عبدالمحسن هاشمی حسینی واسطی

غرافی اسکندرانی متوفای سال ۷۰۴ هجری قمری و ابی الحسن یحیی بن احمد صواف و دیگران حدیث شنید، و از قاریان آنجا از جمله امام شرف الدین یحیی بن عبدالعزیز بن صواف جذامی اسکندرانی متوفی سال ۷۰۵ هجری قمری و امام صدرالدین ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالحلیم بن عمران دکالی معروف به سخون متوفی سال ۶۹۵ هجری قمری نیز تعلیم قرائت به شیوه ورش و حفص را آموخت. ذهبی در سال ۶۹۸ هجری قمری و بعد از فوت پدرش به قصد حج به سرزمین حجاز سفر کرد، که در این سفر عده ای از یاران و شیوخ وی نیز با او همراه بودند، از جمله شیخ دارالحدیث مدرسه مستنصریه ابو عبدالله محمد بن عبدالمحسن معروف به ابن خراط حنبلی متوفی سال ۷۲۸ هجری قمری، که او در این سفر بر ذهبی کتاب الفرج بعد الشده را خواند، و نیز ذهبی در مکه از تنوزری و دیگران حدیث شنید. ذهبی هم چنین در سال ۷۴۱ هجری قمری سفری به بصره داشت. موصوف در دمشق، حلب، نابلس و مکه از جماعت کثیری در حدود یکهزار و دوصد نفر از علماء و محدثین آن زمان از جمله شیخ بن قاضی شبهه قراری و کمال زملکانی درس گرفت، و حدیث شنید. و از شیخ ابی العلاء نصیبی نحو و قواعد زبان عربیه را آموخت. علاوهً او دانشمندی بزرگ در زمینه تاریخ بود. ذهبی با سه کس از دانشمندان معاصرش با وجود برخی اختلاف نظرها روابط گرم و صمیمانه داشت، که آن ها عبارت اند از: ۱ - شیخ الإسلام تقی الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم نمیری حرانی معروف به ابن تیمیه فقیه، محدث و مفسر بزرگ حنبلی متوفی سال ۷۲۸ هجری قمری. ۲ - جمال الدین ابی الحجاج یوسف بن زکی عبدالرحمن قضاعی حلبی شافعی معروف به مزی محدث و مؤرخ معروف شامی متوفی سال ۷۳۹ هجری قمری. ۳ - امام حافظ علم الدین قاسم بن محمد بن یوسف بن زکی الدین برزالی ایشیلی شافعی محدث و مؤرخ معروف مصری متوفی سال ۷۳۹ هجری قمری. امام ذهبی شاگردان بسیاری را تربیه نمود، که از مشهورترین آن افراد ذیل می باشند: ۱ - حافظ احمد بن محمد بن ابراهیم مقدسی متوفی سال ۷۶۵ هجری قمری. ۲ - امام احمد بن محمد علائی حرانی فقیه حنبلی متوفی سال ۷۴۵ هجری قمری. ۳ - ابراهیم بن عبدالرحیم بن بدرالدین محمد معروف به ابن جماعه قاضی القضاة شام و مصر متوفی سال ۷۹۰ هجری قمری. ۴ - اسماعیل بن عمر بن کثیر بصروی دمشقی معروف به عمادالدین ابوالفداء بن کثیر حافظ، مورخ و مفسر مشهور متوفی سال ۷۷۴ هجری قمری داماد علامه مزی. ۵ - عبدالوهاب بن تقی الدین علی بن عبدالکافی سبکی رئیس قضاة شام متوفی سال ۷۷۱ هجری قمری. ۶ - محمد بن رافع بن هجرس سلامی حورانی عالم مشهور متوفی سال ۷۷۴ هجری قمری. ۷ - محمد بن علی بن حسن حسینی عالم، فقیه و مورخ مشهور متوفی سال ۷۶۵ هجری قمری. ۸ - خلیل بن ایبک بن عبدالله صفدی عالم و مورخ مشهور متوفی سال ۷۶۴ هجری قمری. امام ذهبی قبل از وفات بینائی چشمانش را از دست داد، و بالاخره در شب دوشنبه کمی پیش از

نیمه شب سوم ماه ذی القعدة سال ۷۴۸ هجری قمری مطابق به سال ۱۳۴۸ میلادی در شهر دمشق وفات یافت، و او را در قبرستان باب الصغیر دفن نمودند. از امام ذهبی سه فرزند به جای ماند: ۱ - دختری بنام امه العزیز که در زمان حیات پدرش ازدواج کرد، و از وی فرزندی بنام عبدالقادر متولد گردید، که به اجازه امام ذهبی کتاب تاریخ اسلام پدربزرگش را روایت کرده است. ۲ - ابوالدرداء عبدالله پسر وی که در سال ۷۰۸ هجری قمری بدنیا آمد، او از جمله علماء و محدثین زمانه خود بود، و در ماه ذی الحجه سال ۷۵۴ هجری قمری وفات یافت. ۳ - شهاب الدین ابوهریره عبدالرحمن که بسال ۷۱۵ دیده به جهان گشود، و در نزد پدرش تعلیم علم کرد و حدیث شنید، و در سال ۷۹۹ هجری قمری وفات یافت، و از وی پسری بنام محمد برجای ماند، که او هم از جمله علماء و محدثین بود، و کتاب تاریخ اسلام پدربزرگش را روایت نمود. از تالیفات، علم و درس ذهبی خلق کثیری مستفید شدند، و او تقریباً به مدت نیم قرن به درس، وعظ، تالیف و تصنیف پرداخت، و کتب ارزشمندی را از خود باقی گذاشت، که یک سوم آنها از مختصرات کتاب های مهم تاریخی است، که پیش از وی تالیف شده است. ذهبی از کتب و آثار تعداد زیادی از دانشمندان پیش از خود بهره برد، و در نوشته هایش از آثار اکثر آنان بخصوص از منابع ذیل استفاده اعظمی نمود: ۱- دلائل النبوة بیهقی. ۲- سیره النبوی صلی الله علیه و سلم تالیف ابن اسحاق. ۳ - مغازیه ابن عائذ کاتب. ۴ - طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقیدی. ۵ - تاریخ ابی عبدالله بخاری. ۶ - تاریخ ابی بکر احمد بن ابی خثیمه. ۷ - تاریخ یعقوب فسوی. ۸ - تاریخ محمد بن مثنی عنزی. ۹ - تاریخ ابی حفص فلاس. ۱۰ - تاریخ ابی بکر بن ابی شیبه. ۱۱ - تاریخ واقیدی. ۱۲ - تاریخ هیثم بن عدی. ۱۳ - تاریخ خلیفه بن خیاط. ۱۴ - طبقات خلیفه بن خیاط. ۱۵ - تاریخ ابی زرعه دمشقی. ۱۶ - الفتوح سیف بن عمر. ۱۷ - کتاب النسب زبیر بن بکار. ۱۸ - مسند امام احمد بن حنبل. ۱۹ - تاریخ مفضل بن غسان غلابی. ۲۰ - جرح و تعدیل یحیی بن معین. ۲۱ - جرح و تعدیل عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی. ۲۲ - تهذیب الکمال شیخ ابی الحجاج یوسف مزنی. ۲۳ - تاریخ نیشابور ابی عبدالله حاکم نیشابوری. ۲۴ - تاریخ مصر ابی سعید بن یونس. ۲۵ - تاریخ بغداد ابی بکر خطیب بغدادی. ۲۶ - تاریخ دمشق ابی القاسم ابن کثیر دمشقی. ۲۷ - تاریخ ابی سعد سمعانی. ۲۸ - انساب ابی سعد سمعانی. ۲۹ - تاریخ قاضی شمس الدین بن خلکان. ۳۰ - تاریخ علامه شهاب الدین ابی شامه. ۳۱ - تاریخ شیخ قطب الدین بن یونینی. ۳۲ - تاریخ مرآة الزمان واعظ شمس الدین یوسف سبط ابن الجوزی. ۳۳ - تاریخ طبری. ۳۴ - تاریخ ابن اثیر. ۳۵ - تاریخ ابن الفرضی. ۳۶ - صله ابن بشکوال. ۳۷ - تکمله ابن الأبار. ۳۸ - الکامل ابن عدی. ۳۹ - کتب شش گانه حدیث و کتب متعدد و زیادی دیگر. از امام ذهبی تالیفات بی شماری در زمینه های قرائت، حدیث، اصول حدیث، عقائد، فقه، اصول فقه، تاریخ و تراجم بجای مانده است، که



مشهورترین آنها عبارت اند از: ۱ -- اخبار ابومسلم خراسانی در تاریخ. ۲ -- اخبار قضات دمشق در تاریخ. ۳ -- الإعلام بالوفیات الأعلام در تاریخ. ۴ -- تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر والأعلام در تاریخ در دوازده جلد، و این کتاب بزرگ ترین و مشهورترین کتاب علامه ذهبی است، که تاریخ الاسلام را از هجرت رسول الله (ص) تا سال ۷۰۰ هجری قمری برشته تحریر درآورده است، این اثر بی نظیر همه حوادث مهم تاریخ اسلام و حکومتات، و پادشاهی های پی در پی به علاوه تراجم و معرفی شخصیت های معروف در هر زمینه را در خود جای داده است، و تعداد کسانی که در این کتاب معرفی شده اند، به چهل هزار تن می رسد، که چنین عددی در هیچ کتاب دیگری محقق نشده است. امام ذهبی در مقدمه این کتاب چنین آورده است: برای آن زحمت کشیده ام و آن را از کتاب های پر شماری استخراج نموده ام، که انسان به واسطه آن حوادث مهم تاریخ گذشته را از اول تاریخ اسلام تا عصر کنونی و تاریخ وفات خلفاء، قراء، زهاد، فقها، محدثان، علماء، سلاطین، وزراء، نحویان و شعرای بزرگ را خواهد دانست. ۵ -- التبیان فی مناقب عثمان بن عفان در سیره. ۶ -- التجرید فی اسماء الصحابه. ۷ -- تحریم الادبار النساء در فقه در دو جلد. ۸ -- تذکره الحفاظ در تاریخ در دو جلد. ۹ -- تشبیه الخسیس باهل الخمیس در فقه. ۱۰ -- التعزیه الحسنه بالآخره. ۱۱ -- تقویم البلدان. ۱۲ -- توفیق اهل التوفیق علی مناقب ابی بکر الصدیق در سیره. ۱۳ -- مختصر تهذیب التهذیب فی اسماء الرجال. ۱۴ -- الدرۃ الیتیمیه فی سیره ابن تیمیه (تقی الدین احمد) در سیره. ۱۵ -- دول الاسلام در تاریخ. ۱۶ -- الروح والأوجال فی بناءالمسیح الدجال در عقائد. ۱۷ -- شرح حال حلاج در سیره. ۱۸ -- سیراعلام النبلاء در تاریخ و تراجم در بیست جلد، که بعد از تاریخ اسلام بزرگترین کتاب امام ذهبی است، و مجموعه ای فراگیر از معرفی نامه خلفاء، سلاطین، پادشاهان، امیران، وزیران، ادباء، نحویان، شعراء، فلاسفه، متکلمان، قراء، محدثان، علماء، صالحان، زهاد، عابدان و غیره شخصیت های برجسته تمام جهان اسلام را به مدت ۷۰۰ سال شامل می شود. ۱۹ -- العبر فی خبر من عبر در تاریخ. ۲۰ -- العذب السلسل فی الحدیث المسلسل در اصول حدیث. ۲۱ -- العلو للعلی الغفار در عقائد. ۲۲ -- الغفار فی ایضاح الاخبار. ۲۳ -- عنوان السیر فی ذکرالصحابه در تاریخ. ۲۴ -- فتح المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب در سیره. ۲۵ -- قض نهارک بأخبار ابن مبارک در سیره. ۲۶ -- الکاشف فی اسماءالرجال. ۲۷ -- المقتضب من تهذیب الکمال مزی. ۲۸ -- کتاب العرش و صفته در عقائد. ۲۹ -- کتاب الكبائر در عقائد. ۳۰ -- کتاب الوتر در فقه. ۳۱ -- کشف الکره عند فقد الأحبۃ. ۳۲ -- ما بعدالموت در عقائد. ۳۳ -- المجرد فی رجال الکتب السنن در تاریخ. ۳۴ -- المعجم المختص بمحدثی العصر در رجال. ۳۵ -- مختصر سلاح المومنین در دعا های ماثوره. ۳۶ -- مختصر معجم الشیوخ. ۳۷ -- المستحلی فی اختصارالمحلی ابن حزم. ۳۸ -- المشتبه فی الأسماء والانساب. ۳۹ -- المعجم الصغیر المسمی

باللطيف. ۴۰ -- المعجم شيوخ الكبير در رجال. ۴۱ -- معرفة القراء الكبار على الطبقات والاعصار در رجال. ۴۲ --  
 المغنى فى الضعفاء و بعضى الثقات در رجال. ۴۳ -- المقتنى فى سردالكنى. ۴۴ -- منية الطالب لأعزالمطالب در  
 اصول حديث. ۴۵ -- ميزان الاعتدال فى نقد الرجال در دو جلد. ۴۶ -- نعم السمر فى مناقب عمر در سيره. ۴۷ --  
 نفص الجعبة فى أخبار شعبة در سيره. ۴۸ -- هالة البدر فى عدد اهل بدر در تاريخ. ۴۹ -- التلوينات در علم قرائت.  
 ۵۰ -- الأربعون البلدانية در حديث. ۵۱ -- الثلاثون البلدانية در حديث. ۵۲ -- طريق حديث - من كنت مولاه - در  
 حديث. ۵۳ -- الكلام على حديث الطير. ۵۴ -- المستدرک على مستدرک الحاكم در حديث. ۵۵ -- كتاب الزيادة  
 المضطربة در اصول حديث. ۵۶ -- طرق اسباب النزول در اصول حديث. ۵۷ -- الموقظة فى علم مصطلح الحديث. ۵۸  
 -- احاديث الصفات در عقائد. ۵۹ -- الاربعين فى صفات رب العالمين در عقائد. ۶۰ -- جزء فى الشفاعة در عقائد.  
 ۶۱ -- جزآن فط صفة النار در عقائد. ۶۲ -- الرسالة الذهبية إلى ابن تيمية در عقائد. ۶۳ -- مسألة دوام النار در عقائد.  
 ۶۴ -- مسألة الغيبة در عقائد. ۶۵ -- مسألة الوعيد در عقائد. ۶۶ -- مسألة الاجتهاد در اصول فقه. ۶۷ -- مسألة  
 خبر الواحد در اصول فقه. ۶۸ -- جزء فى الخضاب در فقه. ۶۹ -- جزء من صلاة التسبيح در فقه. ۷۰ -- جزء فى  
 القهقهة در فقه. ۷۱ -- حقوق الجار در فقه. ۷۲ -- فضائل الحج و أفعاله در فقه. ۷۳ -- اللباس در فقه. ۷۴ -- مسألة  
 السماع در فقه. ۷۵ -- جزء فى محبة الصالحين. ۷۶ -- دعاء المكروب. ۷۷ -- ذكر الولدان. ۷۸ -- أخبار السد در  
 تاريخ. ۷۹ -- أسماء من عاش ثمانين سنة در تاريخ. ۸۰ -- الإشارة إلى وفيات الأعيان والمنتفى من تاريخ الإسلام در  
 تاريخ. ۸۱ -- الأمصار ذوات الآثار در تاريخ. ۸۲ -- أهل المئة فصاعداً در تاريخ. ۸۳ -- البيان عن اسم فلان در  
 تاريخ. ۸۴ -- التاريخ الممتع در تاريخ. ۸۵ -- تراجم الرجال روى عنهم محمد بن إسحاق در تاريخ. ۸۶ -- تسمية  
 رجال صحيح مسلم در تاريخ. ۸۷ -- تقييد المهمل در تاريخ. ۸۸ -- التلويع بمن سبق و لحق در تاريخ. ۸۹ -- جزء  
 أربعة تحاصروا در تاريخ. ۹۰ -- ديوان الضعفاء والمتروكين در تاريخ. ۹۱ -- ذكر من اشتهر بكنيته من الأعيان در  
 تاريخ. ۹۲ -- ذكر من يؤتمن قوله فى الجرح والتعديل در تاريخ. ۹۳ -- ذيل الإشارات إلى وفيات الأعيان در تاريخ.  
 ۹۴ -- ذيل دول الإسلام در تاريخ. ۹۵ -- ذيل سير أعلام النبلاء در تاريخ. ۹۶ -- ذيل دوان الضعفاء والمتروكين در  
 تاريخ. ۹۷ -- الذيل على ذيل كتاب الضعفاء لابن الجوزى در تاريخ. ۹۸ -- ذيل العبر فى خبر من عبر در تاريخ. ۹۹  
 -- الرد على ابن القطان در تاريخ. ۱۰۰ -- طبقات الشيوخ در تاريخ. ۱۰۱ -- العباب در تاريخ. ۱۰۲ -- القبان فى  
 اصحاب ابن تيمية در تاريخ. ۱۰۳ -- المرتجل فى الكنى در تاريخ. ۱۰۴ -- المشتبه در رجال. ۱۰۵ -- معجم الشيوخ  
 الأوسط در رجال. ۱۰۶ -- معرفة آل مندة در تاريخ. ۱۰۷ -- المعين فى طبقات المحدثين در رجال. ۱۰۸ -- المقدمة  
 ذات النقاط فى الألقاب در رجال. ۱۰۹ -- من تكلم فيه و هو موثق در رجال. ۱۱۰ -- الرواة الثقات المتكلم فيهم بما

لا یوجب ردهم در رجال. ۱۱۱ - أخبار أم المومنین عائشه(رض) در سیره. ۱۱۲ - شرح حال ابن عقده کوفی سیره. ۱۱۳ - شرح حال امام ابوحنیفه در سیره. ۱۱۴ - شرح حال ابویوسف قاضی در سیره. ۱۱۵ - شرح حال امام احمد بن حنبل در سیره. ۱۱۶ - شرح حال خضر(ع) در سیره. ۱۱۷ - شرح حال سلفی در سیره. ۱۱۸ - شرح حال امام شافعی در سیره. ۱۱۹ - شرح حال شیخ موفق در سیره. ۱۲۰ - شرح حال امام مالک بن انس در سیره. ۱۲۱ - شرح حال امام محمد بن حسن شیبانی در سیره. ۱۲۲ - الزخرف القصری در شرح حال حسن بصری در سیره. ۱۲۳ - شرح حال ابی القاسم طبرانی در سیره. ۱۲۴ - شرح حال سعید بن مسیب در سیره. ۱۲۵ - شرح حال عمر بن عبدالعزیز در سیره. ۱۲۶ - السیره النبویة در سیره. ۱۲۷ - مناقب بخاری در سیره. ۱۲۸ - شرح حال خودش(شهاب الدین ذهبی). ۱۲۹ - بیان زغل العلم والطلب. ۱۳۰ - التمسک بالسنن. ۱۳۱ - فضائل آیه الکرسی. ۱۳۲ - الطب النبوی. ۱۳۳ - کسر وثن رتن. ۱۳۴ - احادیث مختاره من الموضوعات. ۱۳۵ - بلبل الروض. ۱۳۶ - مختصری از کتاب روض الأنف سهیلی. ۱۳۷ - ترتیب الموضوعات ابن جوزی. ۱۳۸ - تلخیص علل المتناهیة فی الأحادیث ابن جوزی. ۱۳۹ - تنقیح کتاب التحقيق فی أحادیث التعليق ابن جوزی. ۱۴۰ - تهذیب تاریخ علم الدین برزالی. ۱۴۱ - ذکر الجهر بالبسملة. ۱۴۲ - الرخصة فی الغناء والطرب بشرطه. ۱۴۳ - المجرد من تهذیب الکمال. ۱۴۴ - مختصر أنباء الرواة علی أنباء النحاة ابن قفطی. ۱۴۵ - مختصر کتاب انساب ابی سعد سمعانی. ۱۴۶ - مختصر کتاب البعث والنشور بیهقی. ۱۴۷ - مختصر تاریخ بغداد خطیب بغدادی. ۱۴۸ - مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر. ۱۴۹ - مختصر تاریخ مصر ابن یونس. ۱۵۰ - مختصر تاریخ نیشابور ابی عبدالله حاکم. ۱۵۱ - مختصر کتاب تحفه الاشراف بمعرفة الأطراف مزی. ۱۵۲ - مختصر کتاب تقویم البلدان ابی الفدا. ۱۵۳ - مختصر التکملة لکتاب الصلة ابن أبار. ۱۵۴ - مختصر کتاب التکملة لوفیات النقلة منذری. ۱۵۵ - مختصر کتاب جامع البیان العلم و فضله ابن عبدالبر. ۱۵۶ - مختصر کتاب الجهاد از بهاء الدین بن عساکر. ۱۵۷ - مختصر ذیل تاریخ بغداد از ابی سعد سمعانی. ۱۵۸ - مختصر کتاب الرد علی ابن طاهر از ابن مجد. ۱۵۹ - مختصر کتاب الروضتین فی أخبار الدولتین و ذیل آن از ابن شامه. ۱۶۰ - مختصر کتاب الزهد از بیهقی. ۱۶۱ - مختصر کتاب صلة التکملة الوفيات النقلة از عزالدین حسینی. ۱۶۲ - مختصر کتاب الضعفاء از ابن جوزی. ۱۶۳ - مختصر کتاب الفاروق فی الصفات از شیخ الإسلام انصاری. ۱۶۴ - مختصر کتاب القدر بیهقی. ۱۶۵ - المختصر المحتاج إلیه از تاریخ حافظ ابی عبدالله محمد بن سعید بن محمد دبیشی. ۱۶۶ - مختصر کتاب المدخل من کتاب السنن از بیهقی. ۱۶۷ - مختصر کتاب المستدرک علی الصحیحین از ابی عبدالله حاکم. ۱۶۸ - مختصر کتاب المعجب فی تلخیص أخبارالمغرب از مراکشی. ۱۶۹ - مختصر مناقب سفیان ثوری از ابن جوزی. ۱۷۰ - مختصر کتاب وفيات الأعیان از ابن خلکان.

۱۷۱ - مختصر کتاب الوهم والإيهام الواقعين في كتاب الأحكام از ابن قطان. ۱۷۲ - معرفة التابعين از ثقات از ابن حبان. ۱۷۳ - منتخبي از تاريخ المجدد لمدينة السلام ابن نجار بغدادی. ۱۷۴ - منتخبي از الإستيعاب في معرفة الأصحاب ابن عبدالبر. ۱۷۵ - منتخبي از تاريخ أبي الفداء. ۱۷۶ - منتخبي از تاريخ خوارزم ابن ارسلان خوارزمي. ۱۷۷ - منتخبي از مسند ابن عوانه. ۱۷۸ - منتخبي از مسند عبد بن حميد. ۱۷۹ - منتخبي از معجم شيوخ يوسف بن خليل دمشقي. ۱۸۰ - منتخبي از معجم الأوسط و معجم الكبير طبرانی. ۱۸۱ - منتخبي از مسند المقلين از دعلج. ۱۸۲ - منتخبي از كتاب معرفة الصحابه ابن منده. ۱۸۳ - منتخبي از كتاب منهاج الاعتدال في نقض كلام أهل الرفض والإعتزال از ابن تيميه. ۱۸۴ - مذهب السنن الكبرى از بيهقي. ۱۸۵ - نبذة من تاريخ ابن الجزري. ۱۸۶ - النبلاء في شيوخ السنة. ۱۸۷ - معجم شيوخ ابن الباسي. ۱۸۸ - معجم شيوخ ابن حبيب دمشقي. ۱۸۹ - معجم شيوخ علاء الدين بن عطار. ۱۹۰ - معجمي بر كتاب قاضي ابى الفضل سليمان بن حمزه مقدسي حنبلي. ۱۹۱ - مشيخة التلي محمد بن احمد صالحى خياط. ۱۹۲ - مشيخة الجعبري. ۱۹۳ - مشيخة ابن زراد حريري. ۱۹۴ - مشيخة عزالدين مقدسي. ۱۹۵ - مشيخة ابن الفواس. ۱۹۶ - مشيخة زين الدين كحال. ۱۹۷ - اربعون حديثاً بلدانيةً از معجم الصغير طبرانی. ۱۹۸ - اربعون حديثاً بلدانيةً از معجم ابن جُمیع صيداوي. ۱۹۹ - اربعون حديثاً بلدانيةً از معجم الشيوخ أبي بكر مقدسي. ۲۰۰ - اربعون حديثاً بلدانيةً از معجم شيوخ ابن زاذان. ۲۰۱ - اربعون حديثاً از أبي معالي أبرقوهي. ۲۰۲ - اربعون حديثاً از ابى هريره عبدالرحمن متوفى سال ۷۹۹ هجرى قمرى. ۲۰۳ - ثلاثون حديثاً از معجم الصغير طبرانی. ۲۰۴ - العوالى الشمس ابن واسطى. ۲۰۵ - العوالى طائوسى. ۲۰۶ - العوالى أبى عبدالله بن يونيني. ۲۰۷ - العوالى من حديث مالك بن انس. ۲۰۸ - العوالى المنتقاء من حديث الذهبى. ۲۰۹ - الجزء الملقب بالدینار من حديث المشايخ الكبار. ۲۱۰ - جزء من حديث القزويني. ۲۱۱ - جزء من حديث أبي بكر مرسى. ۲۱۲ - جزء من حديث ابن محب مقدسي. ۲۱۳ - جزء من حديث ابن كويك. ۱۱۴ - جزء من حديث أمين الدين واني. ۲۱۵ - جزء من حديث ابن جماعة كنانى. ۲۱۶ - أحاديث مختصر ابن حاجب. ۲۱۷ - ثلاثيات ابن ماجه. ۲۱۸ - منتخبي از احاديث تقى الدين ابن شيخ شمس الدين ابن مجد بعلي.

### منابع و مأخذ:

- ۱ - سير اعلام النبلاء - مقدمه جزء اول - از صفحه ۶ الى صفحه ۱۳ - شرح حال محمد بن احمد بن عثمان شمس الدين ذهبى - عربى.
- ۲ - الوافى بالوفيات - جزء دوم - صفحه ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۱۸ به شماره ۵۲۵ تاليف صلاح خليل بن ايبيك صفدى - عربى.
- ۳ - طبقات الشافيه - جزء نهم - از صفحه ۱۰۰ الى صفحه ۱۲۴ - به شماره ۱۳۰۶ تاليف تاج الدين عبدالوهاب سبكي - عربى.
- ۴ - كشف الظنون - جلد پنجم - صفحه ۱۲۳ و ۱۲۴ - تاليف مصطفى بن عبدالله حنفى معروف به حاجى خليفه - عربى.



- ۵- أعلام زرکلی - جزء پنجم - صفحه ۳۲۶ - قسمت حرف الف - تالیف خیرالدین زرکلی - عربی.
- ۶- معجم المؤلفین - جزء سوم - صفحه ۸۰ - حرف میم - تالیف عمر رضا کحاله - عربی.
- ۷- سایت ویکیبیدیا الموسوعه الحرة (دائرة المعارف عربی) تاریخ آخرین تعدیل ۲۷ فبروری سال ۲۰۱۸ میلادی ساعت ۰۵/۴۰ - عربی.
- ۸- سایت عصر اسلام - نوشته عبدالله.م - تاریخ نشر ۹ فروردین ۱۳۹۱ شمسی - آخرین بازدید ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ شمسی - فارسی.